

## تولی و تبری در نگاه تفسیری مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای

مرصاد مخدومی<sup>۱</sup>، محمد مهدی رضایی<sup>۱۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

### چکیده

یکی از ارکان علم کلام تولی و تبری است و اهمیت این دو در آیات و روایات واضح است. برای حیات در جامعه اسلامی که اهل تشیع و اهل تسنن در کنار هم زندگی می‌کنند باید شناخت درستی از تولی و تبری داشته باشند تا دشمنان نتوانند بین آنها تفرقه بیاندازند. این مقاله با هدف شناخت این دو مفهوم در کلام و نگاه تفسیری ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی انجام شده است. مقام معظم رهبری معتقدند که تولی عام تر از محبت نسبت به اهل بیت است؛ بلکه به معنای به هم پیوستگی و اتصال شدید یک عده انسانی است که دارای یک فکر واحد هستند و برای یک هدف تلاش و حرکت می‌کنند. برای رسیدن به آن ولایتی که در قرآن مطرح هست امت اسلام باید دو جهت ارتباط داخل جامعه اسلامی و ارتباط خارجی را مراعات کند و معتقد هستند که ولایتی که مذهب تشیع بیان می‌کند، همان ولایتی است که قرآن بیان می‌کند. همچنین اعتقاد ایشان در رابطه با تبری این است که وقتی انسان به یک مکتب علاقه مند و معتقد است، اما با دشمنان آن مکتب دوست است و از مکتب خود دفاع جدی نمی‌کند، تبری ندارد. ایشان همچنین اعتقاد دارند که برائت یک امر قلبی است به این معنا که حتی اندکی از محبت دشمنان در دل شخص مسلمان وجود ندارد. مسلمانان نسبت به دشمنانی برائت داشته باشند که با آنان در جنگ بر سر دین و اعتقادات هستند و حتی نسبت به کسانی که با آنان در جنگ نیستند وظیفه دارند با ملاطفت رفتار کنند.

**کلید واژگان:** تولی، تبری، آیت الله خامنه ای، تفسیر قرآن، ولایت، برائت.

<sup>۱۱</sup> دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه قم و کارشناسی اخلاق گرایش تربیت و مشاوره، esesmeghdi.۳۱۳@gmail.com.

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد مدرسی انقلاب اسلامی، mersad7883@gmail.com.

یکی از عوامل مهم برای حیات و سعادت بشر، دوست و دشمن شناسی است و شناخت آن دو در گرو مسئله مهم تولی و تبری است، مخصوصاً در کشوری که وحدت در آن جز مهم ترین مسائل آن کشور است. از این رو برای بهتر شناختن این مسئله باید از قرآن و روایات کمک گرفت که به طور مفصل در آیات و روایات درباره آن بحث شده است. نگاه تفسیری حاکم جامعه اسلامی آیت اله خامنه ای به مسئله تولی و تبری می تواند در شناخت دوست و دشمن و همچنین مساله مهم وحدت جامعه اسلامی زاویه دید جدیدی به ما در این مسائل بدهد. شاید در جامعه اسلامی مسئله ای مهم تر از تولی و تبری نداشته باشیم که در عین حال مورد غفلت مسلمانان هم واقع شده باشد. این مسئله نویسندگان را به این مطلب وا داشت که نگاه مقام معظم رهبری را به این مسئله مهم بیان کنند، شاید از غفلت این مسئله مهم، هرچند به اندازه قطره ای از این دریا کاسته شود. به طور کلی در این مقاله تلاش شده است که نگاه تفسیری مقام معظم رهبری در مسئله تولی و تبری به طور کامل به مخاطب شناسانده شود.

### مفهوم شناسی

برای فهم بهتر و دقیق تر تولی و تبری باید به معانی لغوی و اصطلاحی این مفاهیم در کتب لغت و همچنین در نزد مکتب تشیع و تسنن پردازیم.

### تعریف لغوی تولی

اتَّخَذَهُ وَلِيًّا تَوَلَّى الْأَمْرَ: تقلَّده و قام به او - فلاناً: اتَّخَذَهُ وَلِيًّا (لویس معلوف، المنجد فی اللغة، ۱۳۸۹: ص ۹۱۹).

تولی - تَوَلَّى [ولی] الْأَمْرَ: آن کار را بعهده گرفت و انجام داد، - الشیء: آن چیز را مُلَازِم شد، - فلاناً: او را ولیّ خود گرفت، عنه: از او روی گردان شد و کناره گرفت، - هارِباً: آن مرد گریخت، - الرُّطْبُ: رُطْبُ خشک شد (بستانی، فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۶: ص ۲۷۴).

تولی از ماده «و-ل-ی» به معنای به کار کسی پرداختن (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۸۵: ج ۱۳، ص ۲۰۴)؛ کاری را عهده دار شدن (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۵)؛ قبول ولایت (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۸۵: ج ۱۳، ص ۲۰۶-۲۰۷) و کسی را دوست و سرپرست گرفتن (شعرانی، نثر طوبی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۸۳) است.

### تعریف لغوی تبری

تبری از ماده (ب ر ئ) به معنای دوری از نقص و عیب (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۴۰) و بهبودی از مرض و دوری جستن از چیزی آمده است (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ج ۴، ص ۵۷۵).

تبری از ماده «بَرَّئ» به معنای دوری از هر عیب و نقصو کناره گیری از چیزی است که انسان از نزدیک شده به آن تنفر دارد. کسی که از مریضی شفا می یابد، می گوید: «بَرَّاتُ مِنَ الِ المَرَضِ: از بیماری رها شدم» یا وقتی با کسی قطع رابطه می کند، می گوید: «بَرَّاتُ مِنَ فلان: از او دوری جستم.» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۶۶: ج ۹، ص ۲۲۶).

همانطور که در کتب لغت مشاهده می شود، معنای اصلی تولی ولی گرفتن و به کار کسی پرداختن و کاری را عهده دار شدن و قبول ولایت است و معنای اصلی تبری دوری جستن از چیزی است و همین معنای تولی و تبری مورد نظر ما در آیات و روایات است.

### تعریف اصطلاحی تولی

واژه ولی و مشتقات آن در قرآن کریم ۲۳۳ بار آمده است و علمای شیعه تعابیر مختلفی درباره معنای ولایت داشته اند.

۱. ولایت، برداشته شدن واسطه بین دو چیز است، طوری که چیزی غیر از آن دو، میان آن دو حائل نماند و بعداً برای انواع قرب مکانی، نسبی و اعتقادی، عاریه گرفته شده است.
۲. ولایت، قرابت حکمیه به دست آمده از عتق و موالات است، لکن در عرفان، قیام بنده را به حق در نزد فناء نفس، و در شرع، تنفیذ گفتار بر غیر را؛ چه بخواهد یا نخواهد، ولایت می گویند.
۳. ولایت، نحوه ای نزدیکی بدون فاصله است که موجب نوعی حق تصرف و مالکیت تدبیر می شود (جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی، ۱۳۸۱).

به طور کلی در آیات قرآن تولی به معنای برداشته شدن واسطه بین دو چیز و قرابت و نزدیکی بدون فاصله آمده است.

قران از ولاء، موالات و تولی، بسیار سخن گفته است. در این کتاب بزرگ آسمانی، مسائلی تحت این عناوین مطرح است. آنچه در مجموع تدبیر در این کتاب مقدس به دست می آید این است که از نظر اسلام دو نوع «ولاء» وجود دارد: مثبت و منفی: یعنی از طرفی مسلمانان ماموریت دارند که نوعی ولاء را نپذیرند و ترک کنند، و از سوی دیگر دعوت شده اند که ولای دیگری را دارا باشند و بدان اهتمام ورزند (جرجانی، التعریفات، ۱۴۱۱ق: ص ۱۷۷).

### تعریف اصطلاحی تبری

واژه بری و برائت در قرآن ۳۰ بار تکرار شده است و علمای مذهب تشیع برای معنای برائت معنای مشترکی دارند.

تبری به معنای جدایی و فاصله گرفتن از کسی یا چیزی بر اثر مذموم بودن آن است که راغب در مفردات اینگونه توضیح داده است: واژه های بری، براء و تبری در اصل به معنای دور شدن از چیزی است که مجاورت و نزدیکی بودن آن مطلوب نیست (مطهری، ولاء ها و ولایتها، ۱۳۸۸: ص ۱۳-۱۶).

استاد شهید مرتضی مطهری تولی و تبری را اینگونه معنا کرده اند: تولی و تبری یعنی پیوند دوستی با دوستان خدا برقرار کردن و پیوند بیزاری با دشمنان خدا برقرار کردند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۲: ج ۲۷، ص ۲۱۵).

## بیان دیدگاه مقام معظم رهبری در رابطه با تولی و تبری

### تعریف تولی از دیدگاه مقام معظم رهبری

امام خامنه ای تولی را اینگونه معنا می کنند که ولایت و تولی داشتن همیشه به معنای محبت نیست درحالی که برخی تولی را منحصرأ به محبت معنا می کنند لکن همه جا ولایت به معنای محبت نیست و معنای کلی و عام ولایت غیر از محبت می دانند.

در تعریف لغوی معنای ولایت اینگونه معنا می کنند که: ارتباط و اتصال بسیار محکم دو چیز با یکدیگر به طوری که به آسانی از هم جدا نشوند (خامنه ای، تفسیر سوره برائت).

امام خامنه ای در تعریف لغوی فارسی ولایت را اینگونه بیان می کنند: «به هم پیچیدگی، به هم جوشیدگی». در تعریف اصطلاحی اینگونه بیان می کنند که: «در اصطلاحات قرآنی و حدیث و اصطلاح شایع عرب ولایت به انواع و اقسام پیوندهای محکم و مستحکم اطلاق می شود» (خامنه ای تفسیر سوره مجادله) و معتقد هستند که پیوند محبت بین دو نفر یک پیوند مستحکم است به همین خاطر به محبت بین دو نفر هم ولایت گفته می شود.

امام خامنه ای معتقدند که علمای لغت که هفت یا هشت معنا برای ولایت مطرح کرده اند، همگی از مصادیق ولایت است که تمام این معانی به به هم پیوستگی و به هم پیچیدگی برمی گردد.

معنای ولایت و تولی داشتن این است که ولایت به معنای وابستگی فکر و عملی با ولی است اینگونه که انسان باید ولی خدا بشناسد و بعد ولی را مشخص کند و از لحاظ فکر، عمل، روحیات و راه و رسم و روش، خودش را به ولی متصل کند و اگر تلاش، جهاد، دوستی و دشمنی اش مانند ولی بود می توان گفت آن شخص دارای ولایت است (فکراً و عملاً با ولی حرکت کند).

### ولایت در اصطلاح قرآنی

تولی و تبرأ در لغت تفسیر مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای

امام خامنه ای ولایت در اصطلاح قرآنی را اینگونه معنا می‌کنند: «ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه قدم بر می‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش می‌کنند، یک فکر و عقیده را پذیرفته‌اند. هرچه بیشتر این جبهه باید افرادشبه هم دیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند. چرا؟ برای اینکه از بین نروند، حذف نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت» (خامنه ای، تفسیر سوره مجادله).

### ولایت در مذهب تشیع همان ولایت قرآنی است

اینکه مذهب تشیع ارتباط با امام را این قدر مهم می‌داند و قائل است که فرمان امام در جای جای زندگی فردی و اجتماعی نافذ است به خاطر این است اگر یک جامعه بخواهد ولایت قرآنی داشته باشد به این معنا که تمام نیروی خود را در یک جهت و بسوی یک هدف بسیج کند، احتیاج به یک نقطه قدرت متمرکز دارد که همه ی قدرت‌ها تحت آن نقطه متمرکز شوند بطوری که از او حرف بشنوند و آن نقطه متمرکز تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند در اینصورت لازم است یک رهبری، یک فرماندهی در جامعه اسلامی وجود داشته باشد. این نقطه متمرکز که از چیزی در راه خدا نترسد و خودش را هم فدا کند امام است. امام یعنی: «آن حاکم و پیشوایی که از طرف خدا در جامعه معین می‌شود (همان صفحه ۴۳۲). امام که از سمت خدا معین می‌شود یا با نام اما را معین می‌کند مثل امیرالمومنین (ع) و امام حسن (ع) و باقی امامان معصوم (ع) و گاهی امام با نشانه معین میشود مثل فرمایش امام حسن عسکری (ع): **فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ** (طبرسی، الاحتجاج، ۱۳۸۱: ص ۴۵۸)؛ و اما آن کس از علما که پاسدار نفس و حافظ دین و مخالف با هوای نفس خود و فرمانبردار امر خدا باشد، بر عوام واجب است از او تقلید کنند آن فقیهی که جانشین امام منصوب است خود امام است اما امامی است که با نشانه معین شده است.

### معنای ولایت علی ابن ابی طالب (ع)

همانطور که بیان شد ولایت قرآنی وجود امام را ایجاب کرد و امت اسلامی اگر بخواهد زنده و موفق باشد باید ارتباط خودش را امام که قلب متحرک این جامعه و امت اسلامی است را حفظ کند.

اگر شخصی ادعا کرد که ولایت علی ابن ابی طالب را دارد به معنی این است که در افکار و اعمالش پیرو امیرالمومنین است و از آن حضرت جدا نشده است و رابطه ی خود را مستحکم و خلل ناپذیر پی ریزی کرده است. اگر شخصی اینگونه بود میتوانیم بگوییم و علی ابن ابی طالب را دارد و اگر فقط محبت امیرالمومنین را داشت و در اعمال و رفتار پیرو حضرت نبود، نمی‌توان گفت ولایت دارد.

### قطع ارتباط مسلمانان با غیر مسلمانان

اینکه اعتقاد ما این است که امت و کشور مسلمان با کشورهای غیر مسلمان قطع رابطه کند به معنای این است که رابطه‌ی ولایتی، پیوستگی و پیوند جوهری و ماهوی با آنان ندارد هماهنگونه که امام خامنه‌ای بیان می‌کند: «اینکه می‌گوییم با دولت‌های غیر مسلمان و با امم غیر مسلمان رابطه‌ها قطع است نه به معنای این است که عالم اسلام و امت اسلامی در انزوای سیاسی به سر خواهد برد، نه. مسئله، مسئله انزوای سیاسی نیست که خیال کنند عالم اسلام با هیچ کس نه رابطه‌ی بارزگانی دارد نه رابطه‌ی سیاسی دارد، نه رابطه‌ی دیپلماتیک دارد، نه سفیر می‌فرستد و نه سفیر می‌گیرد... در خارج جامعه اسلامی بایستی همه بلوک‌ها و جناح‌های ضد اسلامی را بگسلد.» (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۱۴۰۰: ص ۴۳۰).

### مذمت منافقین در تفسیر آیه ۱۴ و ۱۵ سوره مجادله و آیه ۹ سوره ممتحنه

در سوره مجادله خداوند منافقین را به خاطر ارتباط مستحکم با کفار مذمت شده اند چون اگر رابطه با کفار یک رابطه‌ی معمولی و انسانی بود مذمت معنایی نداشت و مذمت منافقین به خاطر رابطه‌ی مستحکم ولایتی و به هم پیوستگی و هم پیمان بودن منافقین با کفار است.

امام خامنه‌ای در ذیل تفسیر آیه «إِنَّمَا يَنْهَأكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» اینگونه بیان می‌کنند که اگر با کفاری که اینگونه عمل کردند تولی و رابطه‌ی ولایتی برقرار کنید خداوند شما را منع می‌کند (سوره ممتحنه، آیه ۹).

### ولایت به معنای حکومت

یکی دیگر از مصادیقی که امام خامنه‌ای برای ولایت مطرح میکنند، ولایت به معنای حکومت است. ولایت به معنای حکومت از جهت است که کسی بر یک جامعه‌ی حکومت و سرپرستی دارد پیوند میان آن شخص و جامعه‌ی یک پیوند مستحکم و به هم پیچیده‌ای است.

### تعریف تبرّی از دیدگاه مقام معظم رهبری

در نگاه مقام معظم رهبری تعریف اصطلاحی تبرّی یعنی برائت جستن از کفار و مشرکین و دوری جستن از آن‌ها و جدا کردن و صف بندی میان مومن و مشرک بوجود آوردن.

مقام معظم رهبری سه معیار برای رعایت و پایبند بودن به تبرّی بیان می‌کند و هرکس که ادعای تولی و ولایت داشتن ائمه اطهار (ع) را دارد باید تبرّی با این ویژگی‌ها را هم داشته باشد و به طور کلی تولی بدون تبرّی معانی نمی‌دهد.

### نهی از دوستی با دشمنان

خداوند سبحان در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ» می‌فرماید که ای کسانی که ایمان آوردید دشمن من (خداوند) و دشمن خودتان را ولی نگیرید (سوره ممتحنه، آیه ۱).

مورد خطاب این آیه مومنان هستند که دشمن خدا و دشمن خود را به عنوان دوست و هم پیمان نگیرند. در این آیه تبرّی و دوری جستن از دشمنان خدا به خوبی و با تصریح آیه قرآن به ما نشان داده شده است. این آیه یک مورد خاصی دارد که حاطب بن ابی بلتعنه با کفار قریش که دشمنان خداوند و پیامبر اکرم بودند پیمان دوستی و عطوفت بسته بود و تبرّی که ملاک دینداری است را رعایت نکرده بود و به آن پایبند نبود، خداوند هم حاطب ابن ابی بلتعنه را از این کار نهی کرده بود. در تاریخ زمان پیامبر اکرم (ص) پدران و مادرانی بودند که فرزند کافر خود را طرد کردند و از آنها تبرّی جستن و در تاریخ معاصر جمهوری اسلامی ایران هم پدر و مادرانی مثل زمان صدر اسلام بودند که از فرزندان خود به خاطر مخالفت با انقلاب اسلامی ایران براءت جستن و آنان را ترک کردند. خداوند متعال در ادامه آیه دو خصوصیت برای اینکه دشمنان اسلام را بشناسیم بیان می‌کند که اولاً: وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (سوره ممتحنه، آیه ۱). به حقی که بر شما نازل شده (اسلام) است کافرند و قبول ندارند و ثانیاً: يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ شَمَا وَ پيغمبر (ص) را از سرزمینتان اخراج کردند.

دوست نشدن با دشمنان (تبرّی) نشانه نیت خدایی است

مقام معظم رهبری در ذیل این آیه كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (سوره ممتحنه، آیه ۱) می‌فرماید که اگر واقعا برای خدا و با نیت خالص در راه خدا جهاد می‌کنید، دشمنان خدا را نباید به عنوان دوست انتخاب کنید و عهد و پیمان با آنان ببندید.

رعایت تبرّی نشانه نیت خالص و پاک برای خداوند متعال است و هر کس که تبرّی را رعایت نکند نشانه ی این است که نیت خدایی نداشته است.

می‌توان گفت یکی از نشانه‌های منافقین، رعایت نکردن تبرّی است چنانکه در ادامه ی آیه می‌فرماید تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ شما در پنهان با آنها اعلام محبت و مودت می‌کنید. چنانکه منافقین هم در ظاهر تظاهر به اسلام می‌کردند اما در باطن مسلمان نبودند بلکه از دشمنان اسلام بودند.

در دین اسلام مسلمین با کفاری که کاری با مسلمین و اعتقادات آنها نداشتند، در صلح بودند اما با کفار و منافقینی که به اسلام در آشکار و نهان ضربه می‌زدند و از پشت سر خنجر می‌زدند همیشه در حال جنگ و مخالفت با آنان بودند.

### حضرت ابراهیم (ع) الگویی نیکو برای موحدان

بعد اینکه حضرت ابراهیم (ع) دعوت الهی را در بین مردم آشکار کرد و عده ای هم دعوت حضرت ابراهیم (ع) را پذیرفتند، حضرت ابراهیم به دشمنان خدا و کسانی که خدا را منکر شده بودند فرمودند که ما از شما جدا هستیم و با شما دوست نیستیم و میان من و شما دشمنی و بغض و کینه است تا زمانی که ایمان بیاورید.

این روش حضرت ابراهیم (ع) و برائت جستن از دشمنان خدا و کفار، روش همه ی پیامبران بوده است که صریحاً تبری از دشمنان خدا می کردند .

### نتیجه گیری

در تحقیق و بررسی های صورت گرفته به دست آمد که توکی به معنای پذیرش ولایت و تبری به معنای دوری جستن از کفار و مشرکین است. مقام معظم رهبری توکی را ارتباط و اتصال بسیار محکم دو چیز با یکدیگر به طوری که به آسانی از هم جدا نشوند و تبری هم به معنای برائت جستن و دوری از کفار و مشرکین معنا می کنند و در اصطلاح قرآنی توکی را اتصال شدید و بهم پیوستگی یک عده انسان که دارای یک فکر و عقیده باشند و تبری هم در آیه اول سوره ممتحنه اینگونه تفسیر می کنند که خداوند متعال دوستی با دشمنان خود و اهل بیت را نهی می کند و معتقد هستند که ولایتی که در مذهب تشیع مطرح می شود دقیقاً همان ولایت قرآنی است .

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. بستانی، فوادافرام، « فرهنگ ابجدی»، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۳. جرجانی، علی بن محمد، «التعریفات»، دارالکتاب لبنانی، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۴. جمعی از نویسندگان، «امامت پژوهی»، ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۸۱.
۵. خامنه ای، سید علی، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، ویراست سوم، انتشارات صهبا، تهران، ۱۴۰۰.
۶. خامنه ای، سید علی، «تفسیر سوره برائت»، انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. خامنه ای، سید علی، «تفسیر سوره ممتحنه»، انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. خامنه ای، سید علی، «تفسیر سوره مجادله»، انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. دهخدا، علی اکبر، « لغت نامه »، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، چاپ اول، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شعرانی، ابوالحسن، «نثر طوبی»، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، «تفسیر المیزان»، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، چ سوم، ج ۹، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۶۶.



۱۳. طبرسی، شیخ ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، «الاحتجاج»، مترجم: جعفری، بهراد، دار  
الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۱.
۱۴. معلوف، لويس، «المنجد في اللغة عربي به فارسي»، انتشارات اسلامي، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار»، ج ۲۷، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۲.
۱۶. مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۱۳، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی،  
تهران، ۱۳۸۵.